



بایدن به جنگ افغانستان خاتمه نداد!

مدتی زیاد کشوری فقیر بوده، اما طبیعت خاص بحران کنونی آن، از سیاستی تعمدی زاده شده که برای فلج کردن آن طراحی شده بود؛ با اینکه سربازها و هواپیماها رفته‌اند، جنگ ایالات متحده در شکلی دیگر ادامه می‌یابد. «آدام واینستین» محقق در مؤسسه کوپنسی که تمرکزش بر امنیت، تجارت و قوانین در افغانستان و پاکستان است، می‌گوید: «ایالات متحده از یک جنگ گرم به یک جنگ اقتصادی منتقل شد.» تنبیه مردم افغان به طور جمعی از طریق اقتصادی اخلاقاً نادرست است؛ تکامل پروژه‌ای از سادیسیم اقتدار را نشان می‌دهد علیه مردمی که ده‌ها هزار قربانی و کشتار را به خاطر اشغال شروانه آمریکا که نیازی به حضورش نبود، تحمل کرده‌اند.

در گفت‌وگوهایم با بیش از یک دوچین از متخصصان و اقتصاددانان منطقه‌ای، برایم روشن شد که اعتقاد گسترده‌ای وجود دارد که دولت بایدن نمی‌خواهد قدمی در جهت عقب کشیدن از خشونت سیاسی بردارد؛ به خاطر کاهش رضایت مردم از وقتی نیروهایش را از افغانستان خارج کرد، تلاش می‌کند با گرسنگی دادن به میلیون‌ها افغان، مرکزیت سیاسی خود را بر سایر مسائل حفظ

«آناند گوپال» نویسنده کتاب «هیچ انسان خوبی میان زندگان: امریکا، طالبان و جنگ از نگاه افغان» که یک جامعه‌شناس مجرب

نیز است و برای سال‌ها در افغانستان بوده، به من گفت ایالات متحده «یک جامعه نئولیبرال افراطی ساخته که همه چیز در آن، خصوصاً خارجی وابسته است و هیچ اقتصاد درونی وجود ندارد و هیچ تلاشی برای ایجاد صنایع محلی نشده است.» او اشاره کرد وقتی زیربنایی مانند جاده‌ها ساخته شد، ایالات متحده اغلب کار را به شرکت‌های خودش برون‌سپاری می‌کرد و این باعث شد از معاملات مستقیم افغانستان با محلی‌ها که به ایجاد اقتصاد پایدار کمک می‌کرد، جلوگیری شود.

کند. این رسوایی بزرگی برای دولت امریکا است. قبل از خالی شدن نیروها از افغانستان، به خاطر هزینه‌های جنگ، فحطی، از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذاران و شیوع ناگهانی کووید-۱۹، اقتصاد افغانستان در حال سقوط بود. اما نکته مهم برای فهم بحران افغانستان این است که برای سرپا ماندن، نیاز به کمک خارجی دارد. افغانستان که ملتی بسیار روستایی و محصور در خشکی است و اهمیت ژئوپلیتیک مهمی برای همسایگانش و غرب دارد، یکی از وابسته‌ترین کشورهای جهان است و پیش از خروج نیروهای امریکایی، سه چهارم خرج آن از کمک‌های بین‌المللی تأمین می‌شد؛ قطع ناگهانی آن کمک بین‌المللی، توانایی دولت برای تأمین حقوق کارکنان و ارائه خدمات را نابود کرده است.

تحریم‌ها کشور را از بانک و تجارت و اکثر کمک‌های جهانی جدا کرده‌اند. انتظار کمی وجود دارد که تحریم اجازه کمک‌های بشردوستانه را بدهد، اما اقتصاددانان می‌گویند که کسب و کارهای بین‌المللی و اهداکنندگان می‌ترسند با فرستادن پول به این کشور، با تحریم‌های سخت مجازات شوند. یکی از قابل توجه‌ترین تأثیرات خفقان آور تحریم‌ها، این است که دولت افغانستان نمی‌تواند پول خودش را چاپ کند؛ چرا که ترس از تحریم‌ها باعث شده شرکت اروپایی که در گذشته اسکناس‌های بانکی این کشور را چاپ می‌کردند، از انجام آن سر باز زنند. خروج هر کشور از اقتصاد جهانی می‌تواند آن را نابود کند، اما انجام این کار برای کشوری که حیاتش به کمک‌های بین‌المللی وابسته است، بسیار سخت‌تر است. این نکته نباید نادیده گرفته شود که ایالات متحده، مسئولیت قابل توجهی در شدت وابستگی افغانستان دارد. پولی که ایالات متحده برای ملت‌سازی در افغانستان خرج می‌کرد، از بودجه برنامه مارشال، برنامه بازسازی اروپای غربی بعد از جنگ جهانی دوم، بیشتر است. با وجود این مسأله، ایالات متحده اصولاً بر مسلح کردن کامل افغانستان، به جای ایجاد یک اقتصاد پایدار در آن تمرکز می‌کند.

«آناند گوپال» نویسنده کتاب «هیچ انسان خوبی میان زندگان: امریکا، طالبان و جنگ از نگاه افغان» که یک جامعه‌شناس مجرب نیز است و برای سال‌ها در افغانستان بوده، به من گفت ایالات متحده «یک جامعه نئولیبرال افراطی ساخته که همه چیز در آن، خصوصی شده است و همه چیز به کمک‌های خارجی وابسته است و هیچ اقتصاد درونی وجود ندارد و هیچ تلاشی برای ایجاد صنایع محلی نشده است.» او اشاره کرد وقتی زیربنایی مانند جاده‌ها ساخته شد، ایالات متحده اغلب کار را به شرکت‌های خودش برون‌سپاری می‌کرد و این باعث شد از معاملات مستقیم افغانستان با محلی‌ها که به ایجاد اقتصاد پایدار کمک می‌کرد، جلوگیری شود.

گروه‌های امدادی و انسانی از ایالات متحده می‌خواهند تحریم‌ها را بردارد و حدود ۷ میلیارد دلار ذخایر ارزی افغانستان را آزاد کند؛ چرا که برای سبک‌تر کردن بحران اقتصادی و عدم ثبات قیمت‌ها ضروری است. دادخواهی برای قربانیان ۱۱ سپتامبر، براساس این منطق که طالبان در این حادثه همدست بوده، سعی دارد مدعی این سرمایه شود، اما چندین تحلیلگر، این دادخواهی را مشکوک و سیاسی توصیف کردند. دولت‌های قریب سعی کردند تلاش‌های مشابهی را برای دادخواهی علیه عربستان سعودی که متحد نزدیک ایالات متحده است از بین ببرند. «اسامه بن لادن» افغانستان را پناهگاهی امن می‌دانست، اما هیچ افغانی در حملات ۱۱ سپتامبر دخیل نبود. اقتصاددانان اشاره دارند که این سرمایه در طول جنگ ایالات متحده در افغانستان، زمانی که هنوز طالبان قدرت را در دست نداشتند، اندوخته شده است. «شاه محرابی» عضو از کارکنان بانک مرکزی افغانستان به من گفت که ذخایر ارزی متعلق به طالبان نیست، بلکه دارایی مردم افغان است.

متخصصان می‌گویند دولت بایدن می‌تواند این دادخواهی را به چالش بکشد و برای آزاد کردن ذخایر ارزی تلاش کند، اما مشکل اینجاست که اراده‌ای برای این کار در دولت وجود ندارد. واقع‌گرایی در بسیاری از مسائل سیاست خارجی امریکا واضح است و انکار آن دورویی است. ایالات متحده نه تنها خیلی از دولت‌های ناقض حقوق بشر با آنها که دموکراسی را نادیده می‌گیرند تحریم نمی‌کند، بلکه فعالانه به آنها کمک هم می‌کند. به همین خاطر با وجود صحبت‌های ایالات متحده درباره گسترش ارزش‌های لیبرال، سیاست خارجی در حقیقت با منافع ژئوپلیتیک در دسترس به منابع هدایت می‌شود. دلیل اصلی عقب کشیدن از تحریم‌های افغانستان و عدم اجازه برای استفاده از ارزش‌های این است که امریکا می‌خواهد جمعیت عظیمی از مردم متمدن گرسنگی بکشند؛ چرا که کسی نمی‌خواهد اعتراف کند در جنگ شکست خورده است.

■ Zeeshan Aleem
■ سردبیر MSNBC Daily



MSNBC

ایالات متحده هیچ‌گاه به جنگ افغانستان خاتمه نداد، تنها شکل آن تغییر کرد و همچنان میلیون‌ها نفر رنج می‌کشند. رئیس‌جمهور «جو بایدن» در ماه آگوست، همه نیروهای ایالات متحده را از افغانستان خارج کرد، اما چیزی که کمتر نمی‌دانند اینکه او به جنگ خاتمه نداد.

بعد از خروج نیروهای امریکایی، تأمین بین‌المللی بودجه برای افغانستان که برابر با ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بود، به خاطر تحریم‌هایی که از طرف ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل علیه افغانستان برقرار شد، قطع شد! «ویلیام برد» اقتصاددان و کارشناس مسائل افغانستان در مؤسسه صلح ایالات متحده به من گفت که تحریم‌ها «درجه‌ای از شوک اقتصادی که نظیر آن در جهان نیست» را به وجود آورده است. ایالات متحده همچنین دسترسی به میلیاردها دلار از ذخایر ارزی دولت افغانستان را که در ایالات متحده است مسدود کرد. ارزش آن ذخایر، بیشتر از یک سال واردات برای کشوری است که بسیار وابسته است.

هدف اصلی این اقدامات، هدف قرار دادن طالبان بود، چون کشور را اشغال کردند و بسرعت شکست‌های بزرگ پروژه ایالات متحده را در افغانستان که دو دهه به طول انجامید آشکار و ابرقدرت جهان را تحقیر کردند. اکنون، مردم افغان بهای آن را می‌پردازند. با اینکه سربازها و هواپیماها رفته‌اند، سببیت جنگ ایالات متحده در شکلی دیگر ادامه می‌یابد. تقریباً ۶۰ درصد از جمعیت افغانستان - ۲۳ میلیون از ۳۹ میلیون نفر - غذای کافی برای خوردن ندارند و از گرسنگی شدید رنج می‌برند. گروه‌های امدادی می‌گویند که در میان تورم و کاهش درآمد، خیلی‌ها پناهگاه ندارند و مجبورند بین خرید سوخت برای گرم کردن خود در زمستان و زنده ماندن از سرما یا تهیه غذا برای خانواده‌هایشان دست به انتخابی سخت بزنند. می‌توانیم مردم افغان را ببینیم که ساعت‌های طولانی برای گرفتن تنها تکه‌ای نان انتظار می‌کشند. کارمندان عمومی مثل معلمان، در بهترین حالت گاه و بی‌گاه حقوق می‌گیرند، نظام سلامت عمومی در آستانه شکست قرار دارد و مردم نمی‌توانند از بانک‌ها پول بردارند.

«دیوید بیبلی» مدیر اجرایی برنامه غذایی جهانی در ملل متحد آن را «بدترین بحران بشری روی زمین می‌داند.» افغانستان برای